

# سیرت‌هذیب‌نگاری احیاء علوم الدین در تمدن اسلامی

مehشید صفایی

احیاء علوم الدین به عنوان یک کتاب یا به مثابه دفاع از یک موضع، موضوع، یا تلقی دینی - اخلاقی یا هر امر و مورد دیگری که بتوان ذکر کرد، چه از حیث پیدایش، چه از لحاظ مفهوم و محتوا، و چه از جنبه ارتباط با مخاطبان یا واکنش آنان در برابر آن، پروژه نادر و شاخصی است. به همین خاطر، می‌توان از هر جنبه‌ای که این پروژه در طول زمان پیدایش و سیر خود با آرا و افکار متعدد و متنوع داشته است، پرونده‌ای تشکیل داد و آن را دنبال نمود؛ زیرا بی‌شک می‌توان در این باره مطالب و مطلوبات مهم و قابل توجهی را به دست آورد و به نوعی از لایه‌های فکری - دینی - فلسفی و ... جامعه‌ای که این کتاب در آن ظهور و بروز نموده است، آگاهی حاصل کرد. البته این امر نه به خاطر قدمت زمانی و سابقه تاریخی طولانی این کتاب، بلکه به خاطر تعدد و تنوع واکنش‌هایی است که در یک عصر و زمانه در برابر این کتاب صورت گرفته است و به طور دقیق از زمان تألیف این اثر و در دوره‌ای که مصنف آن زنده بود، شروع شده است و تا روزگار ما و پس از ما هم ادامه دارد.

**و راه بسته است و جز  
علم و عملی که خالصانه  
برای خداوند باشد، از  
دیدگاه ناقد بصیر مردود  
و نامقبول است.<sup>۱</sup>**

او می‌کوشد در این احیاء عملی صورت بگیرد که از دیدگاه ناقد بصیر، مقبول باشد. از این رو، کتابی است که به نوعی هر کس را با خودش درگیر می‌کند و از وی می‌خواهد به نوعی «خودآزمایی» کند.

به هر تقدیر، ارزش‌های درونی احیا و نحوه مواجهه آن با قضایا به گونه‌ای است که از همان روزهای آغازین پیدایش عده‌ای تلاش کردند بر آن شرح و تعلیق یا نقد و نظر بنویسند؛ و نوشتند. عده‌ای هم که آن را برای همه قابل استفاده نمی‌دانستند دست به تلخیص و تهذیب آن زدند.

واقعیت این است که نمی‌توان همه تلخیص و تهذیب‌ها یا بازنگاری‌های مربوط به این کتاب مهم را در یک طیف و دسته طبقه‌بندی کرد و مثلاً مدعی شد همه آنان می‌خواسته‌اند به نوعی دین خود را به این پیام و پروژه ادا کنند و بکوشند به نوبه خود بخش بیشتری از مردم را به مطالعه این کتاب مشتاق نمایند و با این کار خویش عملاً زمینه نایل آمدن آنان به این امر را فراهم سازند.

اگر این استدلال را در باره دوستان و مریدان امام غزالی درست بدانیم، نمی‌توان آن را در باره ناقدان و مخالفان یا حتی دشمنان وی نیز صادق و مقبول دانست؛ زیرا به وضوح دلیل عمده‌ای که این گروه دوم، برای تلخیص یا تهذیب احیاء داشته‌اند، گذار از بخشی از مندرجات و محتویات احیاء علوم الدین است که به نظر آنان ناروا، نادرست، و ... است و نباید این سخنان به گوش دیگران برسد. از این رو به عنوان وظیفه یا هر اقدام خیرخواهانه دیگر کوشیده‌اند، جلوی این نکات و موارد را بگیرند و به این صورت به نظر خود، احیاء ویراسته و پیراسته‌ای را در دسترس همه مشتاقان و علاقمندان قرار داده‌اند.

با این همه، نکته‌ای که این دو گروه عمده را به هم گره می‌زند، اعتقاد آنان به نفوذ و تأثیر احیاء در میان مردم عالم و عامی بوده است. از این رو کوشش کرده‌اند آنچه که به نظر آنان، نباید دید و شنید، یا دیدن و شنیدن آن برای همگان ضرورتی ندارد، یا بی‌ملاحظه این نکات و نقاط هم می‌توان از برکات احیاء بهره‌مند شد، یا ... حذف و خلاصه کنند، و از این پس مردم احیاء مورد نظر آنها را بخوانند.

نکته مهم دیگری که در همین جا باید خاطر نشان ساخت این است که آیا فلسفه تلخیص و تهذیب احیاء، صرفاً از روی خیرخواهی و نکات و مسائلی است که بخشی از آن بیان شد،

البته به نظر می‌رسد این امر، تنها به خاطر وجود برخی دلایل آشنا، نظیر حسد هم‌روزگاران یا پرونده‌سازی و ... آنان برای این کتاب و نگارنده آن نیست. بخشی از آن به ذات و درون‌مایه خود اثر یا نوع قرائت مؤلف آن برمی‌گردد. به این صورت که برخی از موضوعات مندرج در کتاب یا نحوه تلقی مصنف از این موضوعات، پیامدها و آثاری را به دنبال دارد که جامعه علمی آگاه و زنده‌ای که می‌کوشد پویایی و پایایی خود را حفظ نماید و به عنوان یک سازوکار هوشمند در برابر موضوعات یا حتی مواضع مختلف، جهت‌گیری عملی داشته باشد، نمی‌تواند نسبت به آنها بی‌تفاوت باشد یا سهل‌انگاری کند و با بی‌اهمیت تلقی کردن آنها، به سوابق و لواحق آنها اهتمام نرزد.

باری، به عنوان کسی که بخش مهمی از عمر خود را فدای این اثر و نویسنده آن کرده است، بر این باورم احیاء علوم الدین کتابی است که در اصل برای نقد و ارزیابی بسیاری از رهیافت‌ها و رویکردهای دینی جاری در روزگار خود به دنیا آمد و با توجه به زمان و زمینه خاص خویش توانست به بسیاری از اهداف پیش‌بینی شده خود دست یابد. از این رو، نباید انتظار داشت که اثری که برای نوزایی و دمیدن روحی تازه در تن افکار و رفتارهای عادی و حرفه‌ای روزگار خود به میدان آمده است، گرفتار سردی و انجمادی شود که خودش برای گرم‌سازی و انبساط آن ظهور نموده است و از این راه مانند بسیاری از طرح‌های مصلحانه و روشن‌گرانه‌ای شود، که از فرط کژی و ناراستی حاکم بر ذهن و زمان، مذبحخانه فدا و قربانی شود و آن هم به نوعی به عامل تقویت همان رهیافت‌هایی تبدیل شود که در اصل برای اصلاح و به‌سامان کردن آنها به میان میدان آمده بود.

به نظر من احیاء بسیار عظیم وارد میدان شد و به همین خاطر کمتر دچار حواشی شد و به خاطر همین نقطه قوت، نتوانستند آن را استحاله و مسخ نمایند. روحی که در احیاء میدیده شده است، وجدان بیداری است که هر کس را به طریقی به چالش می‌کشد. جدال احیاء برای به کرسی نشاندن فرد یا گروه یا حتی فکر و فلسفه خاصی نیست. جدال آن بر سر میزان تقریر حقیقت و تلاش برای تقلیل مرارت است. او دنبال اخلاق است و می‌کوشد سرمشق گمشده یا فضیلت‌های فراموش شده را به یاد بیاورد. اما این گونه نیست که با کسانی که علم این پیام‌های نورانی و روشن را برداشته‌اند یا خود را حامی و وارث این راه و ورش می‌دانند، به راحتی و سادگی کنار بیاورد و خود را یکی از هم‌راهان این کاروان بداند. او همه را به نقد می‌کشد؛ زیرا معتقد است:

**... قضیه بسیار جدی،**

**آخرت آمدنی، دنیا رفتنی،**

**اجل نزدیک، سفر دور،**

**توشه ناچیز، خطر عظیم،**



یا بخش عمده‌ای از آن به رویکرد و سبکی در تمدن اسلامی برمی‌گردد که تقریباً از روزگار غزالی به بعد مرسوم و رایج شد؛ یعنی حاشیه‌زنی، تلخیص‌نگاری، تهذیب‌نویسی، شذره‌نگاری، گزیده‌سازی، و سبک و سیاق‌هایی از این قبیل؟ به عبارت دیگر، آیا صرفاً بحث نقد و ویرایش یا تحریر و بازنگاری احیاء در میان است یا رکود و انجماد حوزه‌های معرفتی از ایجاد و ارائه آثاری از سنخ احیاء باعث شد، نویسندگان و حتی علمای بزرگ، به دلایل متفاوت، دست به تلخیص و تهذیب احیاء بزنند که یکی از پیامدهای آن، هم‌زمان کردن احیاء با هم‌روزگاران آنان بوده است؟ در اینجا امکان شرح و بیان این نکته مهم نیست، اما ناگزیر از تقریر این نکته هستیم که به گواهی عینی و مشهود حوزه‌های معرفتی و علمی، پس از احیاء اثری در سبک و سیاق آن در تمام گستره تمدنی و فرهنگی مسلمانان پدید نیامده است و می‌توان آن را در کنار آثار معدودی مانند شاهنامه فردوسی، مثنوی مولوی، از شاهکارهای ماندگار این تمدن به شمار آورد. از این رو، می‌توان به طور خلاصه به پرسش مطرح‌شده پاسخ داد که: آری، ناتوانی حوزه‌های معرفتی از ایجاد و ارائه اثری با فحوا و محتوای احیاء علوم الدین یکی از مهم‌ترین دلایل تهذیب، تلخیص و گزیده‌سازی آن بوده است.

### فهرست تهذیب‌ها

در طول تاریخ احیاء علوم الدین گزیده‌ها و تهذیب‌های فراوان و مکرری برای آن پدید آمده است. در ادامه بر اساس کتاب مهم و ارزشمند مؤلفات الغزالی شادروان عبدالرحمن بدوی، این موارد را فهرست‌وار ذکر می‌نماییم:

۱. لباب احیاء علوم الدین، اثر برادرش احمد. نسخه‌های خطی آن در پرنستون ۱۴۸۲، برلین ۱۷۰۸ / ۹، بودلی ۱: ۳۲۴، جار الله ۱۴۸۲، اسکوریال چاپ دوم ۷۳۱. در هامش (( نزهة الناظرین )) اثر عبد الملک بن المثیر تقی الدین البابی الحلبی در قاهره در سال ۱۳۰۸، ۱۳۲۸ چاپ شده است.
۲. منهج القاصدین، اثر ابن الجوزی (متوفی به سال ۵۹۷ هـ / ۱۲۰۰ م).
- یک نسخه خطی آن در: پاریس با شماره ۱۲۹۵، فاتح ۲۸۷۲. «کتاب آداب النکاح» آن نیز در جار الله با شماره ۲۱۳۶.
- تلخیصی از آن نیز با نام الملخص اثر احمد بن محمد بن قدامة المقدسی متوفی به سال ۷۴۲ هـ / ۱۳۲۴ م صورت گرفته است. یک نسخه خطی این تلخیص در برلین ۱۷۱۱ / ۱۲، دار الکتب المصریه چاپ ۱ ج ۲ ص ۱۳۲، اسکندریه با شماره ۳۳ تصوف و ۴۹ مواظ. چاپ دمشق در سال ۱۳۴۷ هـ.
۳. روح الاحیاء اثر احمد بن موسی بن یونس. یک نسخه خطی

آن در در بودلی ۱: ۱۲۱ [۲] وجود دارد.  
۴. روح الاحیاء اثر علی بن محمد بن الرازی. یک نسخه خطی آن در ایا صوفیه با شماره ۲۰۹۷ وجود دارد.

۵. روح الاحیاء اثر محیی الدین ابی زکریا یوسف بن محمد بن موسی الیمنی، متوفی به سال ۵۵۸ هـ. یک نسخه خطی آن در پتنا ج ۱ ص ۲۴۱ [۸۷۳۱] = بانکی پور ۱۳ با شماره ۸۴۱ هست که ۱۰۸ برگه ۲۵ سطری دارد و تاریخ نسخه سال ۱۱۷۷ هـ به خط هادی بن علی است.

۶. روح الاحیاء اثر محمد بن عبد الله الخوارزمی الشافعی متوفی به سال ۶۸۹ هـ / ۱۲۸۰ م. یک نسخه خطی آن در موزه بریتانیا ۷۴۰، و دار الکتب المصریه چاپ یکم جلد ۷ ص ۲۷۹ وجود دارد.

۷. روح الاحیاء اثر یک مؤلف ناشناخته. یک نسخه خطی آن در دار الکتب المصریه، چاپ یکم ج ۲، ص ۱۳۲ وجود دارد و با عنوان خلاصة التصانیف فی التصوف در سال ۱۳۲۷ هـ در قاهره و با عنوان اسعاد الامة فیما جاء به القرآن و السنة، در سال ۱۳۴۲ هـ در تونس چاپ شده است.

۸. المرشد الامین الی موعظة المؤمنین من احیاء علوم الدین، اثر جمال الدین محمد بن سعید بن صالح القاسمی الدمشقی، در دو جلد که در سال‌های ۱۳۳۱، ۱۳۴۲، ۱۳۴۸ هـ ۱۹۲۹ م در قاهره چاپ شده است.

۹. کتاب الصدق، اگره سال ۱۳۰۵ هـ؛ کتاب الحقیق در سال ۱۳۰۵ هـ در اگره چاپ شد.

۱۰. روح الاحیاء اثر محمد بن علی البلالی العجلونی متوفی به سال ۸۲۰ هـ. Heid. ZS VI, 226

۱۱. تلخیص [احیاء] اثر ابی القاسم بن یونس الحسنی. یک نسخه خطی آن در قلیچ علی با شماره ۵۸۴ هست.

۲۱. ذخیره المنتهی فی علم الغیب و الخفاء اثر جمال الدین بن محمد الخوارزمی، فهرست دار الکتب المصریه چاپ دوم، جلد یکم، ص ۲۹۹ (با شماره ۲۵ تصوف).

۳۱. ذخیره المنتهی فی علم الغیب و الخفاء اثر محمد بن ابی بکر الرازی. یک نسخه خطی آن در برلین Fol. 3104 وجود دارد.

۴۱. عمل العلم، همراه با یک شرح اثر اخفدین موسی الکتشمیری، پیشاور با شماره ۹۴۴، ۱۹۴۵ = (؟) کتاب العلم والعمل، دار الکتب المصریه چاپ دوم جلد یکم، ملحق ۴۶ با شماره ۳۰۲۲ تصوف.

۵۱. صفة الاحیاء، اثر محمود علی قراعه، در سال ۱۹۳۵ م در قاهره چاپ شده است.

۶۱. المحجة البيضاء فی احیاء الاحیاء، اثر محمد بن مرتضی محسن الکاظمی (المتوفی سال ۱۱۰۶ هـ / سال ۱۶۹۴ م). یک نسخه خطی آن در کنتوری با شماره ۲۷۶۵؛ در برلین با شماره



Oct. 3026، گنجینه حکمت آل آقا در تهران وجود دارد.

۷۱. عین العلم و زین الحلم فی التوحید و الآداب الدینیة، با عنوان زبدة الفهم. دار الکتب المصریة چاپ دوم جلد یکم ص ۳۳۳. اثر محمدبن عثمان البلخی (متوفی در حدود سال ۸۰۰ هـ / ۱۳۹۷ م). یک نسخه خطی از آن در پاریس با شماره ۶۷۲۱، در برلین با شماره ۳۰۶۴؛ دیوان هندی با شماره ۶۸۰ و در فهرست آربری با شماره‌های ۱۳۵۵، ۱۳۵۶، و شرح آن با شماره ۱۳۵۷، در بنکیور ۳۱؛ با شماره ۸۳۴، منچستر ۱۰۱، پیشاور ۹۴۱/۳ البته در باره مؤلف این کتاب اختلاف فراوانی وجود دارد. رجوع کنید به: فهرست دیوان هندی ۲ بخش ۲ اثر آربری ص ۱۶۳، اکسفورد سال ۱۹۳۶ م.

این کتاب در پیشاور در سال ۱۲۷۹ هـ علیگره ۶۱۱ [۰۱]، اصفیه ۱: ۶۷۳ [۲۰۵]، [۵۵۵]، [۷۷۸]؛ رامفور ۱: ۲۵۳ [۵/۲۲۲]، چاپ شده است. رجوع کنید به: حاجی خلیفه ج ۴ ص ۲۸۲ با شماره ۸۴۴۰ ملا علی القاری متوفی به سال ۱۰۱۴ هـ هم آن را شرح کرده است. یک نسخه خطی از آن در دار الکتب با شماره ۱۰۹ تصوف، بانکی پور ۳۱؛ با شماره ۸۴۴، رامفور ۱۳/۱۸۲ وجود دارد و در سال ۱۲۹۲ هـ در استانبول چاپ شده است.

۱۸. احیاء الاحیاء اثر شمس الدین محمدبن علی البلالی (متوفی به سال ۱۰۲۴ هـ / ۱۶۱۵ م). یک نسخه خطی آن در الفاتح ۲۶۰۴ و لعله شماره ۱۰ وجود دارد.

۱۲. مختصر الاحیاء، اختصار محمدبن علی بن جعفر الشهبیر به بلالی، نسخه خطی ۱۱۴۷ تصوف طلعت در دار الکتب المصریة در ۱۸۴ برگه. شاید این نسخه عیناً شماره‌های ۱۰ و ۱۸ یعنی احیاء الاحیاء باشد. نسخه دیگری هم در ۲۲۲ برگه با شماره ۱۵۱۸ طلعت وجود دارد.

۲۲. مختصر الاحیاء، مختصر کننده آن ناشناخته است. یک نسخه خطی با شماره ۱۲۲۵ تصوف طلعت در دار الکتب المصریة وجود دارد.

۳۲. دو نسخه از تلخیص احیاء با شماره‌های ۳۷۲۹ و ۳۷۳۰ در کتبخانه عمومی استانبول وجود دارد.

۴۲. یک مختصر که مؤلف آن ناشناخته است. ظاهریه عام ۸۱۱۹

۲۵. بخشی از مختصر الاحیاء، در مجموعه شماره ۲۰۰۱ در مجموعه گارت در پرنستون.

۶۲. کتابخانه دانشگاه لیپتسک، فهرست فولرز با شماره ۱۱۷: مختصر علوم الدین، اثر ابی عبد الله شمس الدین محمدبن جعفر، معروف به بلالی. او می‌گوید: احیاء را در یک‌دهم حجم آن خلاصه کرده است. تاریخ نسخ آن نیز سال ۸۳۹ هـ است. رجوع کنید به: شماره‌های ۱۰، ۱۸، ۲۱ که در این بخش ذکر شد.

تهذیب و تلخیص احیاء در دوران معاصر تهذیب احیاء با هر هدف و نیتی، گامی برای همگانی کردن آن و نشانه محکمی از اهمیت و اعتبار آن در میان محافل و مجامع مختلف بوده است. به طوری که حتی مخالفان فکری و مذهبی وی نیز دست به کار استفاده و بهره‌برداری از این اثر ماندگار او شدند؛ هر چند هرگز این کار آن اثری حتی مشابه کتاب اصلی بر جا نگذاشت.

با این حال ذکر یک نکته همواره برای من جالب بوده است و آن حضور زنده و فربه احیاء در روزگار حاضر است. و این حضور و بروز نه فقط در میان فعالان و پژوهندگان رشته‌های مرتبط با موضوعات احیاء، بلکه در حوزه‌های مربوط به عناصر و فعالیت‌های کاملاً مدرن و جدید؛ نظیر اصلاح و روشنفکری. به طوری که بسیاری از سردمداران این گونه‌گرایی‌ها به نوعی خود را وامدار این کتاب و محتوای آن دانسته‌اند و یا بخش مهمی از کوشش خود را در حوزه معرفتی و عملی به این ماجرا اختصاص داده‌اند.

در همین راستا تلاش جالبی در زمینه احیاء پژوهی صورت گرفته است که بر خلاف بسیاری از نظرگاه‌های معتقد به عتیقه‌بودن و قدیمی‌بودن این کتاب، نشان می‌دهد احیاء علوم الدین زنده و پویا است و در دوران جدید و حاکمیت الگوها و مناسبت‌های خاص آن نیز می‌تواند به عنوان یک رهیافت و رویکرد مستقل و متکی به خود، حضور داشته باشد؛ یعنی نه به عنوان کتابی مربوط به میراث مکتوب، که اگر در راه بازیافت و چاپ و نشر آن تلاشی صورت می‌گیرد، به خاطر گوهرهای نهفته در آن است، نه به عنوان گزارشی از تلاش ملت و مملکت ما در طول تاریخ در زمینه اخلاق و ...

در این وادی در نظر است به چند نوع تهذیب احیاء علوم الدین که در دوره حاضر صورت گرفته است، در حد معرفی اشاره‌وار مطالبی نقل می‌نماییم که امید می‌رود، گامی برای تقویت این اندیشه باشد که هنوز هم می‌توان از احیاء علوم الدین در راه ریشه‌دار ساختن مفاهیم و مقولات اخلاقی، به معنای دقیق و مؤثر آن بهره گرفت. به علاوه، می‌توان از این کتاب در بررسی گزاره‌های مربوط به اصلاح و تجدید دینی، استفاده کرد و به صورت دقیق‌تر مقولات و مفاهیمی مانند انحطاط مسلمانان، بازگشت به عصر سعادت، ذاتی و عرضی در دین، درک عزیزانه دین، شرط معرفتی بازگشت به اسلام سلف و ... را شرح و بیان کرد.

واضح است که با توجه به مسئولیت این مقاله و تعهد آن به عنوان و مسیر خود، نمی‌توان بیش از این، مطالب لازم و ضروری نامبرده را شرح و بیان کرد. پس طول و تفصیل بیشتر را به مجال دیگری موکول می‌نماییم و می‌کوشیم به عهد خود در بررسی



تهذیب‌های معاصر و جدید احیاء علوم الدین وفا کنیم.  
نکته اساسی این است که حوزه مورد بررسی ما زبان عربی است. یعنی به بررسی تهذیب‌هایی می‌پردازیم که به زبان عربی تألیف و فراهم شده‌اند و حقیقت آن است که اطلاعی از وجود و عدم تهذیب‌های احیاء علوم الدین در بستر سایر زبان‌ها نداریم. در بررسی این تهذیب‌ها نیز می‌کوشیم ترتیب تاریخی آنها را رعایت کنیم تا به این وسیله ارزش کار هر یک از صاحبان این آثار هویدا گردد.

### یکم: تهذیب احیاء علوم الدین

نام کتاب: تهذیب احیاء علوم

الدین للإمام أبی حامد الغزالی، به

اهتمام: عبدالسلام هارون، قطع:

وزیری، مجلدات: تک‌جلدی،

تعداد صفحات: ۹۵۵ صفحه، ناشر:

دارالتوزیع و النشر الإسلامية،

نوبت چاپ: اول ناشر، سال چاپ:

۱۴۱۸هـ/۱۹۹۷م



شادروان عبدالسلام هارون و کارنامه وی برای عربی‌خوان‌ها آشنا است و تلاش ستودنی وی در احیا و بازآفرینی بسیاری از آثار و میراث مکتوب مسلمانان، نیازی به معرفی و بازگویی ندارد؛ هرچند جا داشت و هنوز هم دیر نشده است که اهل فضل و دانایی به این کار لازم و زیبا بپردازند.

باری، مرحوم عبدالسلام در مقدمه خود نوشته است:

این کتاب یکی از آثار جاودان میراث اسلامی است که نزدیک به نه قرن از تألیف آن می‌گذرد. با این حال هنوز هم با وجود این زمان طولانی و قدمت آن، اثری است در اوج درخشش و به زیباترین شکل زنده است... به طوری که هنوز هم مردم در جهان اسلامی به صورت فردی و گروهی به مطالعه و بررسی آن مشغولند. خود من اطلاع دارم که در یکی از محله‌های قاهره، در همین روزگار ما، دو گروه از فضایی قوم، بیشتر شب‌ها با مطالعه و بررسی این کتاب و تعمق در اسرار آن سپری می‌کنند. در گذشته نیز، در روزی که مطالعه احیاء علوم الدین را به پایان می‌بردند، مهمانی همگانی برگزار می‌کردند و ولیمه می‌دادند(ص ۵).

...شاید یکی از رازهای جاودانگی این کتاب، سخنان وافی و مستفیض مربوط به قواعد اخلاق و قوانین تعامل باشد. طوری که تقریباً از هر یک از مشکلات اخلاق یا مسائل تعامل که بحث می‌کند، آن را حل می‌کند یا به نوعی به آن می‌پردازد.

و شاید یکی از رازهای نهانی این جاودانگی، همین برتری آشکاری است که خواننده این کتاب حس و لمس می‌کند یا با چشم خود می‌بیند. چون روشی که غزالی در بخش‌بندی کتاب در

پیش گرفته، روشی فوق العاده است(همان).

کتاب چهار ربع یا پاره است: ربع عبادات، ربع عادات، ربع هلاک کننده‌ها، و ربع نجات‌دهنده‌ها. هر ربع هم شامل ده کتاب است. غزالی به هر یک از این موارد با روش یک معلم زبردست عمل می‌کند. طوری که در دل شاگرد خود هیچ شبهه‌ای را باقی نمی‌گذارد، بلکه پرده از روی همه آنها برمی‌گیرد و هیچ ندانسته‌ای را رها نمی‌کند، مگر اینکه او را به آن راهنمایی می‌کند و راه دستیابی به علم در آن زمینه را به وی نشان می‌دهد. البته با سرشار کردن سخنان خود با آیات قرآن، حدیث پیامبر، روایات صحابه و تابعین، و سخنان حکما، ادبا، و شعرا(همان).

فعالان حوزه‌های آموزش، کتاب احیاء علوم الدین را از قدیمی‌ترین مأخذ فن آموزش و تاریخ آن به شمار می‌آورند. زیرا غزالی در این کتاب به بررسی قواعد آموزش و نقد آن می‌پردازد و اوضاع آموزشی را به تصویر می‌کشد؛ چه برسد به احوال اجتماعی و دینی حاکم در قرن‌های پنجم و ششم. به علاوه، ما را از بسیاری از صور تمدنی و انواع آنها در آن روزگاران آگاه می‌سازد(همان، ص ۶).

در آنچه گذشت می‌توان دید که مرحوم عبدالسلام با چه دید و اندیشه‌ای به تهذیب این کتاب پرداخته است. خود او با تتبع در بسیاری از آثار و مفاخر فرهنگی و تمدنی پدید آمده در جهان اسلام - که با تأسف هنوز بیشتر آنها به صورت نسخه خطی نگهداری می‌شوند و شاید در حال نابودی هستند- دریافته بود که گوهری که در این صدف نهان است، چه ارزش و بهایی دارد. البته به صراحت اعلام می‌کند: در مقدمه تهذیب سیره ابن هشام انگیزه‌ای که من را به تهذیب میراث اسلامی واداشت، توضیح داده‌ام و گفته‌ام: تهذیب، نوعی ساده‌سازی برای کسانی است که فرصت مطالعه اصل کتاب را نداشته‌اند. به علاوه، پلی است که جوانان این روزگار را با میراث گرامی گذشته خود پیوند می‌دهد(همان، ص ۸).

عبدالسلام در ادامه به بررسی زندگی غزالی، البته با اختصار تمام، می‌پردازد و در بند دیگری از مقدمه خود می‌گوید: البته من نخستین کسی نیستم که به تهذیب احیاء پرداخته‌ام و پیش از من جمعی از فضلا به این کار اقدام نموده‌اند. (همان، ص ۹). در ادامه با نقل قول از حاجی خلیفه، به برخی از تهذیب‌ها و تلخیص‌های احیاء اشاره می‌کند که در ابتدای این نوشتار، به برخی از آنها اشاره نمودیم.

البته نکته قابل توجه سخنان وی در این مقطع این است که می‌گوید: تا جایی که من می‌دانم از این تهذیب‌ها چیز قابل توجهی نمانده است و نمی‌دانم که جایگاه این کار من نسبت به آنها چیست(همان).

در ادامه نیز روش خود در تهذیب احیاء را شرح می‌دهد و

می‌گوید: روش من در این تهذیب نیز مانند روشی است که قبلاً در تهذیب سیره و الحيوان دنبال کرده‌ام. به این صورت که جان‌مایه کتاب را به طور کامل خلاصه کنم و کاملاً به متن کتاب پایبند باشم؛ طوری که پژوهشگر بتواند از آن اقتباس نماید و به آن ارجاع دهد(همان).

نکته مهم دیگری که مرحوم عبدالسلام ذکر می‌کند، مربوط به احادیث احياء علوم الدين است. او در این باره گفته است: در اصل احياء احادیثی وجود دارد که علمایی که به بررسی آنها پرداخته‌اند، خاطر نشان ساخته‌اند که موضوعند. به همین خاطر من از ذکر آن احادیث در این تهذیب خودداری کرده‌ام و فقط احادیث صحیح و حسن را ذکر نموده‌ام(همان).

نکته مهم و جالب دیگری که وی در پایان مقدمه خود آورده است، به متن تهذیب وی مربوط می‌شود. او گفته است: برای نخستین بار مطالبی را که برگزیده بودم ضبط نموده و به تحقیق در باره آنها پرداختم. برای این کار هم به نسخه‌های خطی موجود در دار الکتب المصریة مراجعه کردم. نکات مبهم را نیز شرح و بیان نمودم(همان، ص ۱۰).

اهمیت این نکته زمانی روشن می‌شود که بدانیم هنوز هم یک نسخه تحقیق شده درست و حسابی از این کتاب، که این همه در مدح و ثنای آن دادی سخن دادیم، در دست نیست!

با این حال در این چاپ، از نمایه‌های عالمانه و جالب عبدالسلام هارون خبری نیست و نمی‌دانیم که آیا خود ایشان به قصد تهذیب، این کار را انجام نداده است یا بنا به دلایل و مسایل دیگری، از این کار لازم و ضروری صرف نظر شده است.

### دوم: المَهْدَب من احياء علوم الدين

نام کتاب: المَهْدَب من احياء علوم الدين، آماده‌سازی: صالح احمد الشامي، قطع: وزیری، مجلدات: دو جلدی، تعداد صفحات: جلد یکم ۵۱۲ صفحه، جلد دوم ۵۲۰ صفحه، ناشر: دار القلم دمشق و دار الشامية بیروت، نوبت چاپ: سوم، سال چاپ: ۱۳۴۱هـ/ ۲۰۰۰م

صالح احمد الشامي در ایران چندان معروف و سرشناس نیست و گمان نمی‌رود کسی چندان با وی آشنا باشد. با این حال تا آنجا که به بحث ما مربوط می‌شود، وی محقق است که پیش از این در زمینه غزالی‌شناسی کتاب ارزنده‌ای را در باره زندگی امام غزالی منتشر ساخته است و به این ترتیب، نشان داده است در این زمینه به نوعی آشنا و آگاه است یا علاقه دارد مطالبی را در این باره در اختیار مردم بگذارد.<sup>۲</sup>

در همین راستا در مقدمه المهدب خود می‌گوید: درست نیست که انسان کار دیگران را تکرار کند و خود و سایر افراد را به مسائلی مشغول نماید که نکته جدیدی در آن نیست. طوری که کار وی، تحصیل حاصل باشد و هیچ فایده‌ای در آن نباشد و با این کار وقت خود و دیگران را هدر دهد؛ که البته این کار در برابر خداوند مسئولیت دارد (المهدب، ص ۵).

کاری که اکنون ارائه می‌نماییم، از این سنخ نیست و خلاصه‌ای نیست که به فهرست خلاصه‌های فراوانی افزوده شود که برای احیاء علوم الدین حجت الاسلام امام ابو حامد غزالی فراهم آمده‌اند (همان). بلکه خود احیاء در شکل کوچک آن است و درست همانند خود احیاء است و در آن همان نشانه‌ها و سایه‌سارها وجود دارد. از این گذشته برای پالایش آن از امور تشویبه‌زا تلاش فراوانی صورت گرفته است و به این ترتیب تاریکی‌هایی که بر برخی جوانب آن سایه انداخته بود زایل شد. در نتیجه چشم‌اندازهایی نمایان شد که پیش از این در پرده نهان مانده بودند.

بنابراین، ما در برابر مختصر / خلاصه کتاب احیاء نیستیم. به همین خاطر کلمه «مختصر» یا «گزیده» برای عنوان آن شایان نبود؛ زیرا حقیقت این کار، که تهذیب است، را نشان نمی‌دهند. چون کاری که ما ارائه می‌نماییم بخش‌هایی از احیاء است که پس از تهذیب آن باقی مانده‌اند. لذا کار ما «تهذیب‌شده احیاء علوم الدین» است (همان).

نویسنده در بخش بعدی به بررسی زندگی امام غزالی، آثار وی بر اساس دسته‌بندی موضوعی می‌پردازد. در بخش بعدی کتاب احیاء علوم الدین را معرفی و بررسی می‌کند و در قسمتی از آن به دسته‌بندی و فهرست نقدهایی می‌پردازد که مخالفان احیاء در باره آن ابراز نموده‌اند<sup>۳</sup> (همان، صص ۱۰ - ۱۱).

با این حال در ادامه به برخی از ویژگی‌های کتاب احیاء می‌پردازد که به طور خلاصه عبارتند از:

۱. احیاء در کنار مسئولیت اصلی خود، وضعیت اجتماعی مسلمانان در آن زمان را از ابعاد مختلف بررسی می‌نماید. به عنوان نمونه، به کارهای ناشایست مسلمانان در مساجد، بازار، خیابان‌ها، حمام‌ها و ... اشاره می‌کند و حتی رفتار قصاب‌هایی را توصیف می‌کند که در جلوی دکان خود کشتار می‌کنند و کار آنها راه‌ها را آلوده می‌کند و مسلمانان را به زحمت می‌اندازد. در بخش دیگری به بحث در باره نقدینگی و تأثیر آن در روند مبادلات تجاری می‌پردازد (همان، ص ۱۱). واقعیت این است که این نمونه‌ها کم اتفاق می‌افتد که در کتابی یافت شود.

۲. یکی دیگر از ویژگی‌های این کتاب، بیان روش روشنی برای تربیت است که در آن برای کودک جایگاهی قائل است و به الگوی تربیت اعتقاد دارد. به علاوه، روش تربیت و مسئولیت والدین در قبال آن را نشان می‌دهد (همان).



۳. مؤلف نادانی و بی‌سوادی فراگیر مسلمانان را بررسی می‌نماید و حتی بر این باور است که سوادآموزی افراد بی‌سواد، از یاد دادن برخی مسائل فرعی دینی واجب‌تر است (همان، ص ۱۱ - ۱۲).

۴. مؤلف به بررسی یکی از مهم‌ترین دلایل عقب‌ماندگی مسلمانان می‌پردازد؛ یعنی عدم اولویت‌بندی امور مهم و ضروری (همان، ص ۱۲).

احمد شامی در ادامه به بررسی روش مؤلف احياء در تألیف آن می‌پردازد و با ذکر نمونه‌هایی آن را روشی درست و موفق معرفی می‌کند (همان، ص ۲۱ - ۱۴). در بخش بعدی هم به معرفی شرح‌های احياء می‌پردازد (همان، ص ۱۵). در قسمت بعدی هم مختصرها و خلاصه‌های احياء را معرفی می‌نماید. نکته جالب این بخش این است که نام و نشان نسخه خطی چند نمونه از این خلاصه‌ها را ذکر می‌کند که از چشم مرحوم بدوی دور مانده است. به علاوه، از چاپ و انتشار برخی از این خلاصه خبر می‌دهد که مرحوم عبدالسلام از وجود آنها بی‌خبر بوده است (همان، صص ۱۶ - ۱۷).

شامی در ادامه به بحث غزالی و انحرافات متصوفه می‌پردازد و بیان می‌کند غزالی در این راه همانند روش خود در نقد فلاسفه و باطنیه عمل کرد (همان، ص ۸۱) و در سراسر احياء به نقد آنان پرداخت. مهم‌ترین نقدهای غزالی از این صوفی‌نماها عبارتند از:

۱. قول به وحدت وجود ۲. قول به سقوط تکلیف ۳. شطحیات ۴. جدایی‌افکنی میان شریعت و حقیقت ۵. عدم التزام به روش سلف ۶. دوری از علم (همان).

او در بخش بعدی به مقایسه مشابیهت‌های امام غزالی و امام ابن‌قیم می‌پردازد که با تأسف از آرای خاص وی در حوزه‌های فکری - معرفتی، در سطح حوزه‌های علمی - فکری ما اطلاع چندانی منتشر نشده است. باری، این بخش به نظر نگارنده، بسیار ارجمند است و بر خلاف تصور رایج که این دو عالم سرشناس را کاملاً از هم دور می‌داند، نقطه عطفی است که باید امتداد یابد. خود استاد شامی هم کلمه «لقاء» یا دیدار را برای این وادی به کار برده است که در نوع خود زیبا است (همان، ص ۲۳).

در بخش بعدی، آرزوی دیرینه علمای بزرگ اسلامی در باره اقدام به تلخیص احياء از برخی موارد که به نظر آنان شایسته نیست، را ذکر می‌کند و اظهار می‌نماید که کار خود را در راستای عملی‌ساختن آرزوی آنان انجام داده است. روش عملی‌سازی آرزوی آن عالمان در این کتاب را به صورت ذیل فهرست کرده است:

۱. حذف احادیث ضعیف و موضوع و اندیشه‌های مبتنی بر آنها ۲. حذف سخنان ناروای صوفیان ۳. حذف مبالغات و زیاده‌روی‌ها ۴. ابقای روح و حرارت کتاب ۵. ابقای فواید علمی و تربیتی ۶.

حفظ شکل و هندسه کتاب بر اساس روش تنظیم مؤلف (همان، صص ۲۷ - ۲۸).

تلاش‌های محققانه احمد شامی هم عبارتند از:

۱. درج منبع آیات قرآن، شامل سوره و شماره آیه ۲. درج منابع حدیث بر اساس کتاب حافظ عراقی و شارح ۳. درج زندگی‌نامه و معرفی مختصر افراد غیر صحابی ۴. عنوان‌گذاری برای برخی مطالب. این موارد در درون [ ] گذاشته شده‌اند. ۵. فهرست الفبایی موضوعات (همان، صص ۲۹ - ۳۱).

به نظر می‌آید این مختصر، با بهره‌گیری از سایر خلاصه‌ها و تهذیب‌ها بسی مفیدتر از سایر نمونه‌های مشابه خود برای احياء علوم‌الدین است و می‌توان با ترجمه آن خدمت شایانی در این حوزه به فارسی‌خوانان کرد و اگر کسی به هر دلیلی امکان و توان یا علاقه‌ای به مطالعه همه آن اثر گران‌قدر نداشته باشد، می‌تواند با مطالعه این کتاب، ادعا کرد که چیزی از اطلاعات مهم و مفید اصل کتاب را از دست نداده است.

سوم: احياء علوم‌الدین فی القرن الواحد و العشرین

این کتاب بسیار جالب و ارزنده، که در نوع خود بی‌بدیل است، اولین کتابی است که کوشش کرده است با زبان و بیانی اسلامی، احياء را از مرزهای معرفتی اسلامی خارج کند و پای آن را به قلمروهای دیگر باز کند. با این حال، از آنجا که در بخش گزارش کتاب همین پرونده، معرفی شده است، از شرح و بیان بیشتر در باره آن صرف نظر می‌شود.

در پایان امید گرم من همه آن است که ببینم روزی به چنان اوج و قله‌ای رسیده‌ایم که نه احياء علوم‌الدین، بلکه کتاب‌های فربه و سرشار دیگری از این سنخ را در میان جمع و جماعت خود به رشته تحریر درآوریم و از آن مهم‌تر آنها را در ساحت عمل و کردار خود با چشم سر و سِر بنگریم. نکته واضح این است که تقدیر ما از کار غزالی و امثال او، به خاطر روشنایی و صفای دل و درون آنان است و هرگز خود را مرید و مدافع خطا و اشتباه آنان نمی‌دانیم. البته در این راه نیز، از خود خداوند می‌خواهیم آنان را با آمرزش خویش بنوازند.

#### پی‌نوشت:

۱. از مقدمه احياء علوم‌الدین.
۲. مشخصات این کتاب به شرح ذیل است:  
الإمام الغزالی حجة الإسلام و مجدد الملة الخامسة، بقلم صالح أحمد الشامي، الطبعة الأولى، دار القلم، دمشق / بيروت، ۱۴۱۳هـ / ۱۹۹۳م.
- شایان ذکر است این کتاب، با شماره ۴۳ در سلسله اعلام المسلمین (مسلمانان نامدار) چهره‌های سرشناس مسلمان منتشر شده است.
۳. در این باره به همین قلم، مقاله مفصلی در زمینه منتقدان و مخالفان غزالی تحریر شده است.